

صبا آل ابراهیم دهکردی /

مریی گروه هنر دانشگاه پیام نور
Saba_dehkordi@yahoo.com

شهرام تقی پور / مریی گروه هنر
دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد
حمید رضایی / استادیار گروه زبان
و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۰۱/۱۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۰۵/۱۵

صفحات مقاله: ۲۰-۷

بررسی و تحلیل نقش آب در نگاره‌های داستان ضحاک شاهنامه طهماسبی

چکیده

نقاشی ایرانی یا همان نگارگری بیشتر دارای مضامین داستانی، عاشقانه، عارفانه و مذهبی است. نگارگر ایرانی این موضوعات را غالباً از متون ادبی و عرفانی وام گرفته و سپس با بهره گرفتن از قوه خیال و مهارت خود عناصر اصلی آن را در قالب نمادها و نشانه‌ها به تصویر در آورده است. در این میان شاهنامه فردوسی از مهمترین متونی است که داستان‌های آن همواره جولانگاه خیال پردازی و تصویرگری نگارگران بوده است. بن مایه‌های اساطیری داستانهای شاهنامه بویژه داستان ضحاک از یک سو و توجه نگارگران به این داستان‌ها از دیگر سو موجب آفرینش نگاره‌های ارزشمندی درباره این داستان شده است. عنصر آب و نقش آن در نگاره‌های این داستان از اهمیت بسیاری در شناخت مفهوم نمادها و نشانه‌های آن دارد. نقوش و نمادهایی که به دست هنرمند ایرانی پیرامون این عنصر بوجود آمده، بسیارند. فردوسی برای بیان این داستان نه تنها صور مادی و عینی این عنصر بلکه مفاهیم نمادین آن را نیز بکار برده است و نگارگر نیز با استفاده از این مفاهیم سعی نموده تا باطن و جوهره آب و معانی نهفته در آن را ترسیم کند. از اینرو پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل چهار نگاره مهم داستان ضحاک از شاهنامه مشهور طهماسبی با محوریت عنصر آب می‌پردازد.

اهداف مقاله

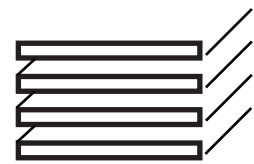
- ۱- بررسی و تحلیل چگونگی انطباق نگاره‌های داستان ضحاک شاهنامه طهماسبی با شعر فردوسی
- ۲- بررسی و تحلیل مفاهیم و نمادهای آب در شعر و نقاشی

سؤالات مقاله

- ۱- آیا نگاره‌های داستان ضحاک قابل انطباق با شعر فردوسی است؟
- ۲- آیا مفاهیم نمادین آب در شعر و نقاشی کدام است؟

واژگان کلیدی

نگارگری، داستان ضحاک، آب، نماد پردازی، شاهنامه شاه طهماسبی.



مقدمه

عنصر آب قبل و بعد از اسلام جایگاه ویژه ای در اعتقادات و فرهنگ مردم ایران داشته است. آب روشن ترین نشانه حیات و سرچشمه زندگی است و تمام اجزای هستی به آن وابسته اند. آب نمودی از شفافیت و روانی و نمادی از عالم ملکوت است. عنصری است که رابطه انسان با طبیعت را بوجود می آورد. عنصری است حیات بخش؛ که در ایران در همه هنرها چه ادبیات، چه هنرهای تجسمی نمود ویژه ای دارد.

نگارگری ایرانی یکی از اصلی ترین شاخه های هنرهای تجسمی است که به دلیل زمینه فکری و تعلقی که به عرفان و حکمت اسلامی دارد و نیز بهره گرفتن از دامنه گسترده اندیشه و ارتباط تنگاتنگش با ادبیات فارسی آثاری کم نظیر می آفریند؛ از این رو در متن این آثار مفاهیم و معانی بسیار نهفته است. «در نظر نگارگر ایرانی تابش رنگ ها و گردش قلم ها که منشاشان در بالاست، منزلشان در ماست. چنین فرایند عارفانه ایست که بیابان را در آیینه ضمیر نگارگر ایرانی تبدیل به باغ می سازد و نگارگر ایرانی چون بر آن احوال دست یافت در باغ را به روی ارواح مشتاق می گشاید.» (ام.م، کورکیان، ژ.ب، سیکر، ۱۳۷۷: ۵۸) با توجه به این تعلق خاطر، آب های مقدس در آثار نگارگری به عنوان مظهری از عالم مثال هستند که نگارگر از آن کمک می جوید تا دنیای بی عیب و نقص و تمثیلی اش را بنماید، دنیایی که در ضمیر نگارگر همان بهشت ازلی است که از آن هبوط کرده و امیدوار است روزی به آن باز گردد. (نک: سیمز، ۱۳۸۸: ۱۹۷) نگارگری ایرانی همواره در خدمت ادبیات بوده است و از این رو بیشترین آثار به جامانده از این هنر، تصویرسازی کتب ادبی از جمله شاهنامه ها، منظومه های عاشقانه، خداینامه ها و وقایع نامه ها است، از این رهگذر شاهکار ادبیات ایران؛ یعنی شاهنامه همواره مورد توجه نگارگران بوده است. شاهنامه به عنوان بزرگ ترین حماسه ملی، یادگار و نمودار فرهنگ ایران باستان است. بسیاری از اعتقادات و باورها که در متون کهن ثبت شده در شاهنامه تجلی یافته است. به همین علت نگارگر ایرانی در همه دوران ها دست به تصویرگری و خیال پردازی داستان های زیبای آن زده است. در این جستار به دلیل اهمیت و نقش مهمی که آب در فرهنگ مردم ایران زمین دارد و همچنین به علت اینکه آب یکی از نقوش اصلی نگاره های ایرانی می باشد، سعی شده تا نقش آب در نگاره هایی از داستان ضحاک در شاهنامه نفیس شاه طهماسب صفوی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. این کتاب زیباترین و برترین نسخه ایست از میان نسخ مصور شاهنامه که به حق دربرگیرنده تمامی معانی و مفاهیم نمادین تفکر و فرهنگ ایرانی است. در این مقاله چهار نگاره از این شاهنامه انتخاب شده و نویسندگان در پی نشان دادن و تطبیق معانی و نمادهای آب در شعر و نقاشی چه از لحاظ بصری و چه از لحاظ مفهومی هستند. همچنین به بررسی و بیان این نکته پرداخته اند که هنرمند نقاش در این آثار تمامی معانی عناصر بویژه عنصر آب را در شعر به عنصر بصری و عینی تبدیل نموده و نیز در بسیاری موارد مفاهیم تمثیلی و نمادین آن ها را به زیباترین وجه به صورت عینی در قالب نشانه هایی تصویر کرده است.

آب در نزد ادیان و اقوام باستان

آب، عنصر شگفت انگیز طبیعت؛ همواره مورد احترام و تقدس ملل مختلف بوده و اسطوره های فراوان پیرامون آن شکل گرفته است. نخستین داستانی که درباره آب به دست



چو این چارگوهر به جای آمدند ز بهر سپنجی سرای آمدند
 گهرها یک اندر دگر ساختند زهرگونه گردن برافراشتند (فردوسی، ۱۳۸۵: ج ۱/۱۴)

واژه آب بارها در شاهنامه بکار رفته است و از آن معانی درخشندگی و حرکت و روانی مستفاد می‌شود. در این جستار بررسی و تحلیل آب در نگاره‌هایی از داستان ضحاک شاهنامه مشهور طهماسبی صورت گرفته شده است. براساس روایت شاهنامه ضحاک اسطوره بدی مطلق است و داستان او که از شگفت‌انگیزترین و پر مایه‌ترین داستان‌های شاهنامه است؛ شرح چیرگی و سلطه سیاهی و بیداد است بر روشنایی و داد که هزار سال طول کشید. این ضحاک مار دوش در اوستا به صورت *azi-dahaka* و در متون پهلوی به شکل *azdahag* آمده است که بنابه نظر بهار جزو اول این اسم؛ (اژی = *azi*) به معنای افعی و اژدها و جزو دوم؛ (دهاک = *dahak*) اسم خاص است. (بهار، ۱۳۷۶: ۱۹۰) این داستان جزو داستان‌هایی است که برخوردار از بن مایه‌های اساطیری در اوستاست. اژی دهاک در اوستا یک اژدهای سه سر سه پوزه شش چشم است که در پی نابودی جهان بر می‌آید و به تدریج با تحول نامش شکل عربی ضحاک را به خود می‌گیرد. ضحاک را اژدها گفته‌اند و نوشته‌اند به بابل پرورش یافته و جادویی آموخته، روی خود را به صورت اژدها بر پدر نمود. او را اژدها می‌خوانده‌اند. پس عربان ازدهاق خواندند و ضحاک شد. (کریستن سن، ۱۳۵۵: ۲۹)

در واقع اسطوره ضحاک به شکلی که در شاهنامه فردوسی ارائه شده در اوستا نمود ندارد. ضحاک در اوستا قربانی‌های زیادی را بر درگاه آناهیتا پیشکش می‌کند تا آناهیتا او را در نابود کردن هفت اقلیم یاری دهد، اما آناهیتا دست رد به سینه او می‌زند. (اوستا / آبان یشت بند ۲۹ - ۳۰ - ۳۱، به نقل از مهندس پور، ۱۳۹۰: ۴۶) پس از اینکه اژی دهاک از درگاه آناهیتا مایوس باز می‌گردد، فریدون عزم جزم می‌کند که با پیشکش کردن قربانی به درگاه آناهیتا، حمایت او را در شکست دادن اژی دهاک به دست آورد و آناهیتا خواسته او را برآورده می‌سازد. اوستا / آبان یشت، بند ۳۳-۳۴، به نقل از مهندس پور، ۱۳۹۰: ۴۶) فریدون در اوستا موفق می‌شود اژی دهاک را از بین ببرد و شهرناز و ارنواز که نماد ابرهای باران زا هستند را؛ از چنگ اژدهای خشکسالی برهاند. اژی دهاک سه سر و سه پوزه و شش چشم اوستا طی تحولاتی در هیأت ضحاک در شاهنامه ظهور می‌یابد و ضحاک با دو مار رسته بر دوشش، در واقع همان اژی دهاک اوستایی است. تقریباً روایت شاهنامه در ژرف ساخت با روایت اوستا همانند است. به این ترتیب که اژدهایی (ضحاک) بر ایران شهر حکومت می‌کند و سایه او کل کشور را در ماتمی جگرسوز فرو می‌برد. سپس فریدون، که پس از جمشید، بزرگترین پادشاه و پهلوان ایران است، علیه این اژدها به پا می‌خیزد و با از میان بردن او و آزاد کردن زن‌های اسیر در چنگال اژدها برکت و فراوانی را به ایران شهر برمی‌گرداند. اما موردی که اسطوره ضحاک در روایت شاهنامه افزون بر روایت اوستایی است، کشتن گاو بر مایه به وسیله ضحاک است گوی که در واقع دایه فریدون بود و فریدون با شیر او بالید. طبری و بیر و نیاسامی اجداد فریدون را با گاو همراه آورده‌اند و چنان که دار جیمز دار مستتر^۱ نظر دارد علت این است که خاندان او مردمی زارع بوده‌اند. (نک: صفا: ۴۶۶) در بندهشن، اسپیان و اثفیان (آبتین) نام خاندان فریدون و نام پدرش پر گاو (دارنده گاو بسیار) نگاشته شده است. (یاحقی، ۱۳۸۸: ۶۳۴)

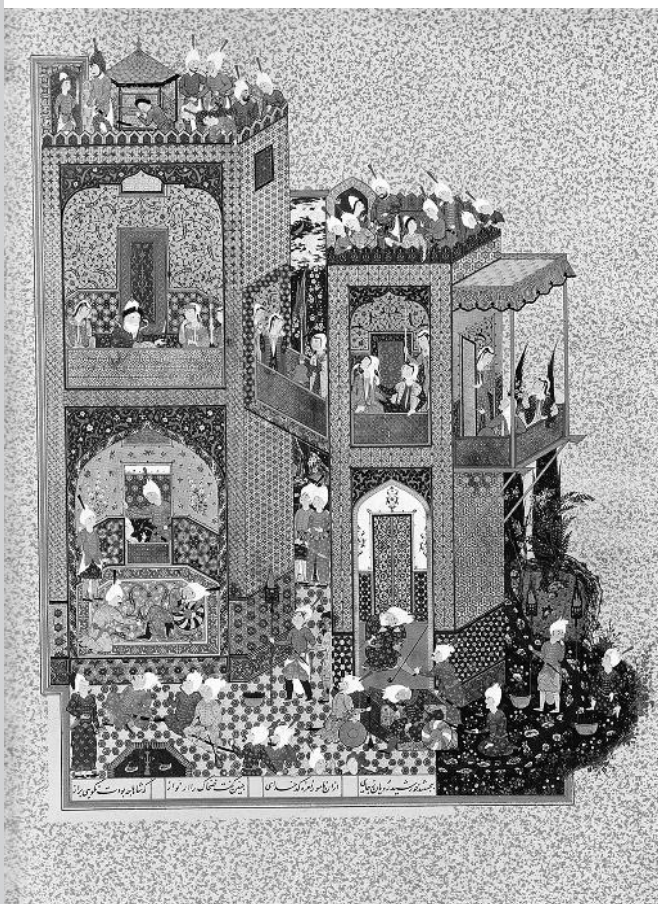
دسته‌ای از نبردهای اسطوره‌ای، نبردهایی است که به بارش باران می‌انجامد. آفریده‌ای ایزدی اژدهایی را که در دل ابرها پنهان است می‌کشد و سپس باران می‌بارد... «این جنگ بنیان

1- James Darmesteter

تولد ۲۸ مارس ۱۸۴۹، مرگ ۱۹ اکتبر ۱۸۹۴، نویسنده، پژوهشگر، ایرانشناس و باستانشناس فرانسوی.

از نیاکانش به ارث برده است و آن تأکیدی است بر باورها و اندیشه‌های عمیق ایرانی و ایرانی اسلامی؛ مثلاً هنگامی که هنرمند تصویری از آب را نشان می‌دهد به گونه ایست که در دنیای محسوس نمودی از آن را نمی‌توان یافت، در واقع او مفهومی از نماد بهشتی را نشان می‌دهد. عدم توجه نگارگر ایرانی به ظاهر مادی و گذراسبب شده در ترسیم آب نیز از این قاعده کلی پیروی کند. تلاش نگارگر بر این بوده است تا باطن اصل و جوهر آب را ترسیم کند. بدین سان در نگاره او نمودی از کمیت آب بروز نمی‌کند؛ به سخن دیگر نگارگر آن در به تصویر کشیدن آب روش مفهومی نه روش بصری را به کار می‌گیرند.

تصویر ۱: ضحاک خواب خود را برای همسرانش بازگو می‌کند، شاهنامه طهماسبی سده شانزدهم/دهم. (Von stuart, 1976)



شاهنامه فردوسی که یکی از ارزنده‌ترین متون ادب فارسی است بارها از سوی نگارگر ایرانی مورد توجه قرار گرفته است. در اینجا چهار نگاره از داستان ضحاک از کتاب شاهنامه طهماسبی

و با رویکرد به مفاهیم و نمادها به خصوص عنصر ارزشمند آب در آن‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. این ۴ نگاره عبارتند از:

نگاره ۱: خواب دیدن ضحاک و بازگو کردن خواب خود برای همسرانش.

نگاره ۲: تعبیر خواب ضحاک توسط خوابگزاران و افتادن او از تخت.

نگاره ۳: کشتن گاو بر مایه توسط ضحاک.

نگاره ۴: به بند کشیده شدن ضحاک توسط فریدون.

هنرمند نقاش دوران صفوی شاید بیش از هر نقاش مکتب دوره دیگری به عنصر آب پرداخته است؛ چه از لحاظ ظاهری و چه از لحاظ مفهومی، آب در این مکتب ارزش و اعتنایی که از اواخر دوره جلایری در نگارگری به دست آورده بود را به اوج خود می‌رساند.

همانطور که در نگاره‌های ۱ و ۲ قابل مشاهده است، داستان درون کاخ رخ داده، یکی از عناصر در این دو تصور وجود حوض است. با بررسی‌های صورت گرفته، این نکته قابل شرح است، که در غالب نگاره‌های دوره صفویه حوض‌ها شکل هندسی دارند و غریب به اتفاق، فواره ای طلایی در وسط آن‌ها وجود دارد و نیز در بیشتر آنها مرغیانی در حال شنا کردن هستند. اگر بخواهیم بدانیم که آب این حوض‌ها از کجا سرچشمه می‌گیرد با اندکی دقت در این تصاویر در می‌یابیم جویباری که بیرون از کاخ تصویر شده توسط نگارگر ایرانی به سمتی که آن را به داخل باغ می‌کشاند هدایت شده است؛ این می‌تواند توجه نگارگر و هنرمند ایرانی را به چگونگی ساخت باغ‌ها در آن دوران نشان دهد، که پدید آمدن و حیات باغ‌ها بستگی به مسیر جریان رود دارد. فشار آبی

که از کوهستان‌های دوردست به سمت باغ‌ها هدایت می‌شود، هوشمندانه با تلفیق دو جریان مضاعف می‌شود و این افزایش فشار باعث فوران آب از حوضچه مرکزی باغ شده و محدوده و شکل باغ را مشخص می‌کند. همچنین وجود فواره می‌تواند به این علت باشد که در محور آرامش دهی صدای آب اگر به میزان معینی برسد درست در لبه شکست سکوت قرار می‌گیرد، که این همان صدای روشن نامیده می‌شود. این صدا از فواره‌های حوض شنیده می‌شود و آرامش برقرار می‌کند. (علم الهدی، ۱۳۷۸: ۳۱۰) آرامشی که نمایانگر تسلط انسان بر طبیعت است و در واقع موسیقی روح و روان محسوب می‌شود (علم الهدی، ۱۳۷۸: ۳۰۵).

منابع

کتاب های فارسی

- قرآن (۱۳۹۰)، ترجمه براساس المیزان، تدوین و ترجمه سید محمدرضا رضوی، قم، انتشارات دفتر نشر معارف.
- امید سالار، محمود (۱۳۸۱)، جستارهای شاهنامه شناسی و مباحث ادبی، تهران، مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- اذکایی، پرویز (۱۳۸۰)، افسانه گیلگمش سومری و فریدون آریایی، س ۱، ش ۱، تهران، مطالعات ایرانی.
- افشار، ایرج (۱۳۸۵)، خوابگزاری همراه تعبیر امام فخر رازی، تهران، انتشارات المعی.
- آموزگار، ژاله (۱۳۸۶)، زبان، فرهنگ و اسطوره، تهران، معین.
- _____، _____ (۱۳۸۷)، تاریخ اساطیری ایران، تهران، سمت.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۲)، رساله‌ای در تاریخ ادیان، ترجمه ی جلال ستاری، تهران، سروش.
- آیدنلو، سجاد (۱۳۷۶)، سرشت اساطیری افراسیاب، س ۱، ش ۲، پژوهش‌های ادبی.
- بلعمی، محمدبن عبدالله (۱۳۸۹)، تاریخنامه طبری، ج ۱، تصحیح محمد روشن، انتشارات سروش.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۶)، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران، نشر آگاه.
- _____، _____ (۱۳۸۴)، از اسطوره تا تاریخ، تهران، چشمه.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۶۳)، آثارالباقیه عن القرون الحالیه، ترجمه اکبر داناسرشت، تهران، امیرکبیر.
- پورخالقی چترودی، مهدخت (۱۳۸۱)، درخت شاهنامه، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- تفلیسی، حبیب بن ابراهیم (۱۳۸۰)، تعبیر خواب-رویا در آیین تصویر، موسسه انتشارات فراهانی.
- تفضلی، احمد (۱۳۶۷)، دایره المعارف بزرگ اسلامی (مدخل آب، مقاله آب در فرهنگ ایران باستان)، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- تجویدی، اکبر (۱۳۷۵)، نگاهی به هنر نقاشی ایران (از آغاز تا قرن دهم هجری)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سرکاراتی، بهمن (۱۳۷۸)، سایه های شکار شده، چاپ اول، تهران، نشر قطره.
- سیمز، الینور (۱۳۸۸)، "جویبار نقره‌ای در پس زمینه"، ترجمه مجتبی صفی پور، مجموعه مقالات همایش طبیعت در شرق، تهران، فرهنگستان هنر.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۶۹)، حماسه سرایی در ایران، چاپ پنجم، تهران، امیرکبیر.
- علم الهدی، هدی (۱۳۷۸)، "آب و معماری"، دومین کنگره معماری و شهرسازی ایران، جلد اول، کرمان، ارگ بم، انتشارات میراث فرهنگی.
- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه (۱۳۷۳)، به کوشش سعید حمیدیان، تهران، نشر قطره.
- فضایلی، سودابه (۱۳۷۸)، فرهنگ نمادها، تهران، نشر جیحون.